

رساله

موسيقى و غناء



آية الله العظمى سيد رضا حسيني نسب



پیشگفتار

موضوع غنا و موسیقی از صدر اسلام تا کنون، محل بحث و مناقشه در حوزه های علمی و مراکز پژوهشی اسلامی بوده است.

بحث از موسیقی، دارای جنبه ها و ابعاد گوناگونی است که شایسته است به صورت جامع و فراگیر، مورد بررسی و کنکاش قرار گیرد.

از یکسو، موسیقی به عنوان یکی از رشته های علوم ریاضی، چنانکه در کتابهای حکمت و فلسفه قدیم و سخنان دانشمندان پیشین مانند فلاسفه یونان باستان و برخی از حکماء مسلمان مانند فارابی و ابن سینا آمده است، مطرح می شود.

از سوی دیگر، شایسته است تاثیرات مثبت یا منفی این پدیده بر روی انسان، از دیدگاه علم و دانش، مورد پژوهش قرار گیرد، تا دلایل احکامی که در این زمینه صادر شده است، روشن گردد.

و از جهتی دیگر، لازم است دیدگاه شرع مقدّس نیز،
در خصوص حلّیت یا حرمت آن با استناد به منابع
اصیل اسلامی، مورد بررسی قرار گیرد.
در این رساله موجز، تلاش خواهیم کرد تا پس از
تعریف موسیقی و غنا، به تبیین ابعاد مختلف این
پدیده بپردازیم.

تعریف موسیقی و غناء

در اینجا، شایسته است تا دو واژه "موسیقی" و "غنا" را با استناد به منابع علمی و لغوی، تعریف کنیم:

تعریف موسیقی

کلمه موسیقی از ریشه یونانی Mousika گرفته شده است. آن واژه نیز از کلمه Muse اخذ شده است که به معنای الهه حافظ شعر و ادب و موزیک در فرهنگ یونان باستان است. برخی از تعاریف منسوب به دانشمندان پیشین را در خصوص علم موسیقی، به شرح ذیل از نظر شما می گذرانیم:

- حکیم ابونصر فارابی (در احصاء العلوم) می گوید:

"موسیقی علم شناسائی الحان است و شامل دو علم است: علم موسیقی عملی، و علم موسیقی نظری".

موسیقی نظری، اصول علمی و ریاضی موسیقی را در بر می گیرد، و موسیقی عملی، هنر اجرای آن است.

- ابن سینا می گوید:

"موسیقی علمی است ریاضی که در آن چگونگی نغمه ها ، از نظر ملایمت و تنافر و چگونگی زمانهای بین نغمه ها بحث می شود تا معلوم شود که لحن را چگونه باید تعریف کرد".

- تعریف دیگر موسیقی بدین شرح است:

"موسیقی عبارت است از: دانش ترکیب صداها به گونه‌ای که خوش آیند باشد و باعث انبساط و دگرگونی روان گردد".

- یکی دیگر از تعاریف فنّی موسیقی، به شرح ذیل است:

"موسیقی به اصواتی گفته می‌شود که آگاهانه تولید شوند".

- در کتاب اقرب الموارد، موسیقی را چنین تعریف کرده است:

"الموسیقی فنُّ الغناء و التطریب ، یونانیتهای موسیکا".

یعنی: موسیقی، فنّ غناء و طرب انگیزی است. یونانی آن، موسیکا می باشد.

- در کتاب المعجم الوجیز، چنین می گوید:

"الموسیقی يطلق علی فنون العزف علی آلات الطرب".

یعنی: موسیقی، بر فنون نواختن بر آلات طرب،
اطلاق می شود.

- همچنین، به حکیم معروف یونان، افلاطون، نسبت داده شده که در باره موسیقی چنین می گوید:
"موسیقی یک ناموس اخلاقی است که روح به جهانیان ، و بال به تفکر، و جهش به تصور، و ربایش به غم و شادی ، و حیات به همه چیز می بخشد".

صاحب نظران این فن در طول تاریخ ، در زمینه تبیین علم موسیقی، قلم فرسایی کرده اند. اقلیدس و افلاطون، از دانشمندان یونان، از جمله این نویسندگان هستند. در جهان اسلام نیز، حکیمانی مانند فارابی، ابن سینا، ابوریحان بیرونی و غیر آنها، آثار متعددی را در این زمینه به رشته تحریر در آورده اند.

ابن سینا، سه اثر معروف در تشریح علم موسیقی
به شرح ذیل نگاشته است:

1. بخش ریاضیات کتاب شفا.
2. دانشنامه علایی.
3. کتاب النجات.

وی در کتاب شفا، علم موسیقی را در شش بخش
به شرح ذیل، ارائه داده است:

بخش اول، پیرامون "صوت" است که شامل فصول
زیر می‌گردد:

1. روش تحقیق و تعریف صدا.
2. تعریف موسیقی و علل ایجاد صوت و زیر و بم
و علل آن.
3. شناسایی ابعاد موسیقی.
4. ابعاد ملایم مرتبه اول.
5. ابعاد ملایم مرتبه دوم.

بخش دوم، در باره "ابعاد" است که شامل موارد زیر می باشد:

1. جمع و تفریق.
2. تضاعف و تنصیف.

بخش سوم، در مورد "اجناس" است و شامل موارد ذیل می گردد:

1. بیان اجناس.
2. عدد اجناس.
3. اجناس قوی.

بخش چهارم، پیرامون "جموع و انتقال" است و شامل امور یادشده در زیر می باشد:

1. تبیین جمع یا دستگاه.
2. ایجاد آهنگ.

بخش پنجم، در باره "ایقاع" است که شامل موارد زیر می گردد:

1. نت های موسیقی.
2. علم اوزان.
3. وزن خوانی.
4. اوزان مختلف.
5. شعر و اوزان مربوط به آن.

بخش هشتم، در خصوص "تألیف" است و شامل موارد زیر:

1. تألیف و ترکیب آهنگ.
2. اسباب موسیقی.

بنا بر آنچه بیان شد، موسیقی، عنوان دانشی است که در دو زمینه نظری و عملی توسط دانشمندان پیشین، تبیین و تشریح گردیده است. برخی از اهل لغت نیز، موسیقی را به معنای هنر اجرای آن فنّ که موجب طرب انگیزی می شود، دانسته اند

تعریف غناء

کلمه "غناء" در لغت عربی به معنای "صوت مُطرب" یعنی صدای طرب انگیز آمده است. برخی از دانشمندان نیز، آن را به معنای ترجیع صوت دانسته اند که موجب طرب می‌گردد. بعضی از فقهاء اسلام، مانند شیخ انصاری در کتاب مکاسب محرّمه و غیر آن، غناء را به صورت زیر تعریف کرده اند:

"مد الصوت المشتمل علی الترجیع المطرب".

یعنی: غناء عبارت است از کشیدن صدا که مشتمل بر چرخاندن صوت در گلو باشد به نحوی که موجب طرب انگیزی گردد.

ترجیع را در لغت به معنای تکریر و تحریک صدا در حلق، دانسته اند.

جوهری در کتاب الصحاح و فیروزآبادی در کتاب
القاموس المحيط، می گویند: ترجیع، به معنای
گردانیدن آواز در حلق است.

طرب نیز، به معنای حالتی است در وجود انسان
که از شنیدن آوازخوش که باعث ایجاد شادمانی یا
اندوه می گردد، حاصل می شود.

جوهری در کتاب الصحاح چنین می گوید:

"طرب، یک حالت سبکی است که به خاطر اندوه
شدید و یا شادمانی و سرور، به انسان دست
می دهد".

غناء و سماع

در بعضی از لغتنامه های عربی، غناء و سماع را به
یک معنا دانسته اند. به عنوان مثال، خلیل ابن احمد
در کتاب "العین" چنین می گوید:

"السماع الغناء، و المسمعة المغنیة".

یعنی: سماع، همان غناء است، و مسمعه یعنی
مغنیة.

محمد ابن محمد ابن عبدالرزاق هم در کتاب تاج
العروس، چنین می نویسد:
"السماع: الغناء".

صناعت غناء

ابن خلدون در کتاب تاریخ خود، در تعریف صنعت
غناء، چنین می گوید:

"صناعتی است که با آن، اشعار دارای وزن را
آهنگین و نغمه دار می‌کنند. برای این‌کار صداها و
اصوات را بر اساس نسبت‌های منظم تقطیع
می‌کنند و با تعریف "مقام" برای هر قطعه صدا و با
قرار دادن هر قطعه صدا در "مقامی" معین، "نغمه"
خاصی را پدید می‌آورند. آنگاه با چینش نغمه‌ها در
کنار یکدیگر، وزن‌ها و نسبت‌هایی می‌آفرینند که
شنیدنش برای شنوایی انسان، لذت بخش و طرب
انگیز است".

از مجموعه آنچه گذشت، روشن می‌گردد که غناء
در لغت عربی، معنایی عام دارد و شامل کیفیت

هرگونه صوت دلنشین و طرب انگیز که بر اثر ترجیع
صدا در گلو به وجود می آید، می گردد.
روشن است که این حالت از صوت زیبا و مسرت
بخش، ممکن است در مسیر الهی قرار گیرد و
موجب سرور معنوی انسان و گرایش او به سوی
کمال باشد، یا اینکه در راه شیطانی به کار گرفته
شود و باعث گرایش آدمی به سوی شهوات حیوانی
گردد.

تأثیرات موسیقی و غنا

پس از تعریف موسیقی و غناء، شایسته است نگاهی به اثرگذاری های این پدیده بر جسم و جان انسان بیفکنیم، تا زمینه لازم برای بیان احکام آن فراهم گردد.

از آنجا که موسیقی، مانند یک ابزاری است که اگر به روشی صحیح به کار گرفته شود، می تواند مفید فایده باشد، و در صورتی که در راه باطل و شهوترانی به کار گرفته شود، موجب ضرر و زیان برای انسان می گردد، بنا بر این، یک دسته از دانشمندان به بیان اثرات مثبت آن پرداخته اند، و برخی دیگر، تأثیرات منفی آن را گوشزد نموده اند.

اثرات مثبت

پیش از بیان اثرات مثبت موسیقی، یادآور می شود که حتی موافقان این نظریه نیز، هر نوع موسیقی را

مفید فایده نمی دانند، بلکه برای آن، شرایطی بیان کرده اند.

این گروه از نظریه پردازان معتقدند که در صورت فراهم بودن شرایط لازم، موسیقی می تواند در معالجه برخی از بیماریهای روحی به شرح زیر، مؤثر باشد:

1. اختلالات خلقی (مثل افسردگی).
2. جنون جوانی.
3. اختلالات شخصیت.
4. اختلالات اضطرابی.
5. اختلالات روحی دوران کودکی.
6. برخی از موارد اعتیاد.

علاوه بر این، استفاده از موسیقی می تواند موجب کاهش احساس درد توسط بیماران در مقاطعی خاص بشود.

به عنوان مثال، موسیقی های مخصوص کودکان باعث انحراف ذهن آنان نسبت به درد ناشی از اقدامات تهاجمی درد آور مانند رگ گیری می شود.

"رگ گیری" یکی از اقدامات دردناک پزشکی است و به عنوان مقدمه تشخیص یا درمان بیماریها مورد استفاده قرار می گیرد.

تحقیقی که بر روی جمعی از کودکان شش تا 12 ساله مبتلا به تالاسمی در یکی از بیمارستانهای ایران انجام شده، نشان می دهد که شدت درد رگ گیری در کودکانی که فکرشان در زمان رگ گیری به سمت موسیقی کودکان جلب شده به طور محسوسی کمتر بوده است.

علاوه بر این، برخی از پژوهشگران، موسیقی را در موارد ذیل، مثبت و مفید دانسته اند:

1. افزایش قدرت یادگیری.

2. تحصیل آرامش با موسیقی های متناسب با
ضرباهنگ قلب.

بر اساس تحقیقی که در مجله علمی "پرستاری
پیشرفته" The Journal of Advanced Nursing
منتشر گردیده، نتایج ذیل به دست آمده است که با
تلخیص، از نظر شما می گذرد:

"تحقیقات تأیید کرده است که گوش کردن به
موسیقی می تواند به طور چشمگیری تاثیر مثبت بر
نگرش ما در مورد درد جسمانی داشته باشد.
محققان آمریکایی برای انجام این تحقیق، تاثیر
موسیقی بر شصت بیمار را که برای سالیان متمادی
درد مستمر داشته اند، مورد بررسی قرار داده اند.
آن دسته از بیماران که طی این آزمایش به
موسیقی گوش داده بودند به محققان گفتند که
میزان دردشان بالغ بر 21 درصد و افسردگی آنها که
ناشی از درد دائمی بوده تا 25 درصد کاهش داشته

است. این تحقیق همچنین نشان می دهد که موسیقی به بیماران کمک می کند کمتر احساس ناتوانی و معلولیت جسمانی کنند. بیمارانی که در این تحقیق مشارکت داشته اند از بین مراجعین به کلینیک های امراض مفصلی انتخاب شده بودند. آنها به طور میانگین حدود هفت سال به بیماری هایی مانند استئو آرتريت (التهاب مفاصل)، جا به جایی مهره های ستون فقرات و آرتريت روماتوئید مبتلا بوده اند. بیشتر آنها حداقل در یک ناحیه از بدن خود به طور مستمر از این گونه دردها رنج می برده اند.

دکتر ساندرا سیدلکی (Sandra Siedlecki)، از بنیاد پزشکی کلیولند آمریکا گفت: نتایج آماری به دست آمده از دو گروهی که روزانه به موسیقی گوش کرده اند، نشان داده است که موسیقی تاثیر چشمگیری در کاهش درد، افسردگی، علائم معلولیت و همچنین افزایش حس توانایی در میان آنها داشته است. همچنین، پرفسور ماریون گود، یکی از

محققین در زمینه تاثیر موسیقی در کاهش درد، چنین می گویند: شواهد در مورد مزایای گوش دادن به موسیقی در سلامت انسان زیاد است". این بود نمونه هایی از آثار مثبت موسیقی از زبان مدافعان آن. اینک به بیان سخن مخالفان این دیدگاه، می پردازیم:

اثرات منفی

همانگونه که بیان شد، جمعی دیگری از محققان معتقدند که موسیقی، آثاری مخرب بر روی جسم و روان انسان دارد. مهمترین این تاثیرات از نظر این گروه از پژوهشگران عبارتند از:

1. تاثیر منفی بر اعصاب، بدلیل ایجاد اختلال در تعادل بین اعصاب سمپاتیک و پاراسماتیک.
2. افزایش ضعف اعصاب.
3. رکود فکری.

4. ایجاد ضعف اراده.
5. افزایش فشار خون.
6. خطر حمله قلبی بر اثر هیجانات آن.
7. بروز برخی بیماریها مانند پارانو Paranoia.

بر اساس آنچه گذشت روشن می گردد که جمعی از پژوهشگران، موسیقی را تا سرحدّ درمان دردهای عصبی و راه علاج برخی از بیماریها بالا برده اند، در حالی که جمع دیگری، آن را برای سلامت جسم و جان، مضر و خطرناک توصیف نموده اند.

حقیقت آن است که موسیقی دارای انواع گوناگونی است و هر یک از آنها، اثری خاص (مثبت یا منفی) دارد. عامل دیگر در ارزیابیها مذکور، افراط یا عدم افراط در استماع موسیقی می تواند باشد.

نکته دیگری که در این زمینه باید مورد توجه قرار گیرد این است که امروزه در بسیاری از متون کلامی موسیقی های غربی و شرقی، پیامهایی منفی و زننده به چشم می خورد که حتی متخصصان

روانشناسی و جامعه‌شناسی معاصر را در باره نتایج آن، بیمناک نموده است. وقتی این متن‌های منفی به صورت ریتمیک عرضه می‌گردد، می‌تواند در پذیرش محتوای آن موسیقی در نزد شنونده، مؤثر باشد.

عکس این مطلب نیز صادق است. زیرا در صورتی که پیام‌هایی مثبت و سازنده در متن کلامی موسیقی قرار داشته باشد و با ضرباهنگ مناسب و فنون هنری اجرا شود، می‌تواند تأثیری عمیق‌تری در شنونده داشته باشد.

حکم شرعی موسیقی و غناء

یکی از مسائل بحث انگیز در فقه اسلامی، مسأله حرمت یا حلیت غناء و موسیقی است. گروهی از فقیهان، موسیقی و غناء را به طور کلی تحریم کرده اند، ولی جمعی دیگر، آن را حرام ندانسته و یا قائل به تفصیل میان انواع موسیقی شده و برخی از مصادیق آن را به خاطر جهات معینی حرام دانسته و موارد دیگر را جایز شمرده اند.

جمعی از فقهای اسلام نیز، رساله های مستقلی در زمینه حلیت یا حرمت موسیقی و غناء به رشته تحریر در آورده اند که برخی از آنها عبارتند از:

1. رساله فی تحلیل الغناء، تألیف سیدماجد

بحرانی.

2. رساله فی تحلیل الغناء، تألیف محقق

سبزواری.

3. رساله فی تحلیل الغناء، تألیف فیض کاشانی.

4. رساله فی تحریم الغناء، تألیف میرزا ابراهیم بن میرزا غیاث الدین محمد اصفهانی.
 5. رساله فی تحریم الغناء، تألیف مولی احمد بن محمد تونی بشرویه ای.
 6. رساله فی تحریم الغناء و ائمه ، تألیف مولی اسماعیل بن محمد حسین بن محمدرضا، متوفای سال 1173 هجری قمری.
 7. رساله فی تحریم الغناء، تألیف وحید بهبهانی متوفای سال 1205 هجری قمری.
 8. رساله فی تحریم الغناء و عمومه من حیث المتعلق، تألیف شیخ علی بن محمد بن حسن بن زین الدین، متوفای سال 1104 هجری قمری.
- اینک، شایسته است به تشریح ادله موافقان و مخالفان حرمت غناء به صورت کلی بپردازیم و در

پایان، آنچه را مطابق دلائل معتبر شرعی می یابیم، بیان نماییم.

دلائل موافقان حرمت غناء

فقهایی که غناء را به طور کلی تحریم کرده اند، به ادله ذیل، تمسک جسته اند:

1. آیاتی از قرآن مجید.
2. روایاتی از پیشوایان دینی.

استدلال به آیات قرآن

کلمه غناء یا موسیقی در قرآن مجید نیامده است. آیاتی که به آنها تمسک شده است، نوعاً در باره عناوین دیگری سخن می گوید. این آیات عبارتند از:

الف - آیه های اول تا سوم از سوره مؤمنون:

"قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ . الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ . وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ".

یعنی: مؤمنان رستگار شدند. آنان که در نمازشان خشوع دارند. و آنان که از لغو و بیهودگی روی گردانند.

استدلال به این آیه شریفه، مبتنی بر تطبیق عنوان "لغو" بر غناء می باشد.

ب – آیه 55 از سوره قصص:

"وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا تَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ".

یعنی: و هرگاه سخن لغو و بیهوده بشنوند، از آن روی می گردانند و می گویند: "اعمال ما از آن ماست و اعمال شما از آن شما؛ سلام بر شما؛ ما خواستار جاهلان نیستیم".

استدلال به این آیه کریمه نیز، متوقف بر انطباق عنوان "لغو" بر غناء و موسیقی است. بنا بر این، در صورتی که ثابت شود موسیقی و غناء به طور کلی امری لغو و بیهوده است، آنگاه می توان به این دو آیه استدلال نمود.

ج. آیه ششم از سوره لقمان:

"وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ
اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ".

یعنی: و بعضی از مردم سخنان بیهوده را می‌خرند تا دیگران را از روی نادانی، از راه خدا گمراه سازند و آیات الهی را به استهزا گیرند؛ برای آنان عذابی خوار کننده خواهد بود.

استدلال به این آیه شریفه، مبتنی بر تطبیق عنوان "لهو الحدیث" بر غناء است. اما این استدلال بدون استمداد از روایاتی که در ذیل آیه آمده است، صورت نمی‌پذیرد، زیرا آیه در باره کلام بیهوده که مقوله گفتاری است، سخن می‌گوید، در حالی که غناء، به کیفیت صوت، اختصاص دارد.

د - آیه 30 از سوره حج:

"فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَ اجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ".

یعنی: از پلیدیها، از بتها اجتناب کنید و از سخن باطل و بی اساس بپرهیزید.

استدلال به این آیه شریفه، مبتنی بر این است که
غناء ، مشمول عنوان "قول الزور" باشد.

ه - آیه 72 از سوره فرقان:

"وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا".
ترجمه: و کسانی که شهادت به باطل نمی‌دهند [یا
در مجالس باطل شرکت نمی‌کنند]؛ و هنگامی که با
لغو و بیهودگی برخورد می‌کنند، بزرگوارانہ از آن
می‌گذرند.

استدلال به آیات مذکور، مبتنی بر این است که لغو
بودن یا لہو بودن غناء به صورت کلی به اثبات برسد.
بنا بر این، در صورتی که ثابت شود برخی از انواع
موسیقی مصداق "لغو" و "لہو" و سخن باطل بودن
هستند، نه همه آنها، آنگاه آیات یادشده تنها
مصادیق مذکور را منع می‌نماید، نه همه انواع را.

و - آیه 59 و 60 از سوره نجم:

"أَفَمِنْ هَذَا الْحَدِيثِ تَعْجَبُونَ . وَ تَضْحَكُونَ وَ لَا تَتَكُونُونَ وَ أَنْتُمْ سَامِدُونَ".

یعنی: آیا از این سخن تعجب می‌کنید، و می‌خندید و نمی‌گریید، و پیوسته در غفلت و هوسرانی به سر می‌برید؟

استدلال به این آیه هم مبتنی بر این است که کلمه "سامدون" به معنای کسانی که در هوسرانی به سر می‌برند باشد، و موسیقی و غناء هم از مصادیق هوسرانی قلمداد گردد.

بنا بر این، در صورتی که فقط برخی از انواع موسیقی چنین حالتی را داشته باشد، نمی‌توان حکم آن را به همه انواع موسیقی و غناء سرایت داد.

اینک، به شرح روایاتی می‌پردازیم که به آنها استدلال شده است.

استدلال به روایات

احادیثی که در این زمینه وارد شده، به چند دسته تقسیم می‌گردد.

دسته ای از روایات باب موسیقی، با استشهاد به آیات شریفه قرآن که بیان گردید، به تشریح حکم غناء می‌پردازد.

در اینجا مجموعه ای از روایات یادشده را از نظر شما می‌گذرانیم:

حدیث اول:

روایت ششم از باب 99 از ابواب ما یکتسب به، کتاب التجارة، وسائل الشیعه ج 17:

"وَعَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ الْغِنَاءُ مِمَّا وَعَدَ اللَّهُ عَلَيْهِ النَّارَ وَ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهُوَ الْحَدِيثَ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّخِذَهَا هُزُوءاً أَوْلَيْكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ".

امام باقر (ع) می فرماید: غناء ، امری است که خداوند به خاطر آن وعده عذاب آتش داده است. آنگاه آن حضرت این آیه را خواندند: **وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَتَجِدَهَا حُرُوقاً أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ.**

حدیث دوم:

روایت هفتم از همان منبع:

"**وَ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ مِهْرَانَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ الْغِنَاءُ مِمَّا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ."**

امام صادق (ع) می فرماید: غناء از مصادیق این آیه در قرآن است که می فرماید: **وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ.**

حدیث سوم:

روایت یازدهم از همان منبع:

"وَعَنْهُمْ عَنْ سَهْلِ بْنِ الْوَشَّاءِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ
الرِّضَا (ع) يُسْأَلُ عَنِ الْغِنَاءِ فَقَالَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ
مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ
اللَّهِ".

امام رضا (ع) در پاسخ سؤالی در باره غناء فرمودند:
غناء، مصداق سخن خداوند است که می فرماید:
وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ
اللَّهِ.

حدیث چهارم:

روایت شانزدهم از همان منبع:

"وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ
مِهْرَانَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ هَارُونَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا
عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ الْغِنَاءُ مَجْلِسٌ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَى أَهْلِهِ وَ
هُوَ مِمَّا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ
الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ".

حسن ابن هارون می گوید: از امام صادق (ع)
شنیدم که می فرمود: غناء، مجلسی است که
خداوند به اهل آن نظر نمی افکند، و مصداق این

سخن خداست که می فرماید: **وَ مِنْ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهُوَ الْحَدِيثَ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ.**

حدیث پنجم

روایت بیستم از همان مصدر:

"وَ فِي مَعَايِي الْأَخْبَارِ عَنِ الْمُطَفَّرِ بْنِ جَعْفَرِ الْعَلَوِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْعُودٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ إِشْكِيَبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ السَّرِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ أَبِي أَحْمَدَ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى قَالَ سَأَلْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ (ع) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَاجْتَنِبُوا الرَّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَ اجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ قَالَ الرَّجْسُ مِنَ الْأَوْثَانِ الشُّطْرُنُجُ وَقَوْلُ الزُّورِ الْغِنَاءُ قُلْتُ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مِنْ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهُوَ الْحَدِيثَ قَالَ مِنْهُ الْغِنَاءُ".

عبد الأعلى می گوید: از امام صادق (ع) در باره این آیه پرسیدم که می فرماید: **فَاجْتَنِبُوا الرَّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَ اجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ**، آن حضرت فرمود: **الرجس من الأوثان ، شطرنج است ؛ و قول الزور ، غناء می باشد.**

راوی می گوید پرسیدم: مقصود از وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ
يَشْتَرِي لَهُوَ الْحَدِيثِ چیست؟ آن حضرت فرمود: از
جمله آن، غناء است.

حدیث ششم:

روایت اول از باب 15 از ابواب ما یکتسب به، وسایل
الشیعه، ج 17 :

"مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ
مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ
أَبِي بصيرٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنْ كَسْبِ الْمُغْتَنِّيَاتِ
فَقَالَ الَّتِي يَدْخُلُ عَلَيْهَا الرَّجَالُ حَرَامٌ وَ الَّتِي تُدْعَى إِلَى
الْأَعْرَاسِ لَيْسَ بِهِ بَأْسٌ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ
مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهُوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ
اللَّهِ".

ابوبصیر می گوید از امام صادق (ع) در باره کسب
زنان خواننده (مغنیة) که غناء می خوانند پرسیدم.
آن حضرت فرمود: اگر مردها وارد مجلس آن زنهای
خواننده بشوند، حرام است، اما اگر برای عروسیها
دعوت شوند، اشکالی ندارد.

این همان است که خدا در قرآن می فرماید: **وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ.**

از این روایت معتبر به خوبی معلوم می گردد که صرف خواندن و صدای خوش زنان خواننده که برنامه غناء اجرا می کنند، حرام نیست، بلکه عوارض دیگری مثل اینکه زنان برای مردان بخوانند و یا آنکه محتوای کلامی غناء سخن باطل یا بیهوده و لغو باشد، موجب حرمت می باشد.

این حدیث به عنوان خاص، عموم روایات پیشین را نیز تخصیص می دهد و دلیل حرمت برخی از انواع غناء را تشریح می کند. این دلیل می تواند خواندن زنان برای مردان باشد، و یا محتوای لهوی و سخن رکیک در متن کلامی موسیقی که آن را مصداق سخن باطل و یا لغو و لهو می گرداند. دلیل این امر هم این است که چنین پدیده ای موجب اضلال و گمراه ساختن مردم می باشد، و این همان است

که در آیه فوق، مورد اشاره قرار گرفت: **لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ.**

روایات زیادی در این زمینه وجود دارد که حلیت غناء خوانندگان را در اعیاد اسلامی، یا مجالس عروسی به اثبات می‌رساند. این امر نشان می‌دهد که صرف غناء به عنوان کیفیت صوت با مشخصاتی که گذشت، در صورتی که لوازم حرام دیگر با آن همراه نباشد، اشکالی ندارد.

اینک برخی از روایات اسلامی معتبر را در این زمینه یادآور می‌شویم:

روایت اول:

حدیث دوم از باب 15 از ابواب مایکتسب به، از کتاب التجارة در وسائل الشیعه:

"و عَنْهُمْ عَنْ أَحْمَدَ عَنْ حَكَمِ الْخَطَّابِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ الْمُعْتَبَةُ الَّتِي تَزُفُّ الْعَرَائِسَ لَا بَأْسَ بِكَسْبِهَا".

امام صادق (ع) می فرماید: زن خواننده غناء که با خوانندگی در عروسی ها درآمد کسب می کند، اشکالی ندارد.

روایت دوم:

حدیث سوم از منبع سابق:

"و عَنْهُمْ عَنْ أَحْمَدَ عَنِ الْحُسَيْنِ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنْ يَحْيَى الْحَلَبِيِّ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ الْحُرِّ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) أَحْرُ الْمُعْتَبَةِ الَّتِي تَزُفُ الْعَرَائِسَ لَيْسَ بِهِ بَأْسٌ وَ لَيْسَتْ بِالَّتِي يَدْخُلُ عَلَيْهَا الرَّجَالُ".

امام صادق (ع) می فرماید: کسب زن خواننده غناء که در عروسی ها خوانندگی می کند، اشکالی ندارد، اما در مواردی که مردان به آن مجلس وارد نشوند.

روایت سوم:

حدیث چهارم از منبع سابق:

"عَبْدُ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ فِي قُرْبِ الْإِسْتَادِ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ
الْحَسَنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ قَالَ سَأَلْتُهُ عَنِ
الْغِنَاءِ هَلْ يَصْلُحُ فِي الْفِطْرِ وَالْأَصْحَى وَالْفَرَحِ قَالَ لَا
بَأْسَ بِهِ مَا لَمْ يُعْصَ بِهِ".

علی ابن جعفر از برادرش روایت کرده است که
گفته: از امام (ع) پرسیدم: آیا صحیح است که در
جشن عید فطر و عید قربان و شادمانی های دیگر از
غناء استفاده شود؟

آن حضرت فرمود: اشکالی ندارد، مادام که معصیت
خدا صورت نگیرد.

از این روایات نیز به خوبی روشن می گردد که نفس
غناء، نمی تواند حرام باشد، مگر اینکه معصیت
دیگری در کنار آن قرار گیرد، مثل اینکه زنان برای
مردان بخوانند و یا محتوای کلامی آن باطل و لغو
باشد و از اینرو، آن غناء، مناسب مجالس لهو و
لعب و محافل عیاشی و شهوترانی باشد.

بنا بر این، هر جا در روایات اسلامی سخن از غناء و موسیقی حرام به میان آید، مقصود آن نوع از غنائی است که توأم با لوازم حرام یادشده باشد. همچنین، در پرتو آنچه گذشت معلوم می گردد که روایات دیگری که گاهی خرید و فروش مغنیه ها و یا آلات غناء را تحریم می کند، به خاطر غلبه نوع حرام غناء در هدف از خرید مغنیه ها و یا ابزار موسیقی در آن دوران بوده است. زیرا در برابر آن روایات، احادیث دیگری که امر مذکور را تجویز می کند، وجود دارد، و راه جمع احادیث یادشده، این است که بگوییم: اصل غناء مشروط به اینکه لوازم حرام با آن همراه نباشد، جایز است، ولی در صورتی که با عوارض مذکور توأم گردد، چنانکه غالب اوقات اینگونه بوده است، حرام می باشد.
